

روایت مشقت بار زیبایی و فنا

همه چیز از کن امسال شروع شد. جایی که درخت زندگی در میان تعجب همگان موفق به کسب نخل طلا گردید و این درحالی بود که فیلم ترنس مالیک اصلا قرار نبود در بخش فیلم های مسابقه کن 2011 شرکت کند.



همه چیز از کن امسال شروع شد. جایی که درخت زندگی در میان تعجب همگان موفق به کسب نخل طلا گردید و این درحالی بود که فیلم ترنس مالیک اصلا قرار نبود در بخش فیلم های مسابقه کن 2011 شرکت کند.

از آن پس اکران محدود فیلم باعث شد تا این تعجب صدچندان شود. درخت زندگی یک فیلم معمولی نیست و یا از آن متنفر خواهید شد و یا اینکه بهترین فیلم زندگی تان نام خواهد گرفت. البته باید ویژگیهای روحی تان در زمان دیدن فیلم را هم در نظر بگیرید. اگر حال و روز درست و حسابی ندارید قید دیدن فیلم را بزنید و اگر روحتان دوره جستجوگری و پرسش را شروع کرده احتمالا بارها و بارها درخت زندگی را روی پرده نقره ای خواهید دید و از تماشایش لذتی بی حد خواهید یافت.

درخت زندگی 140 دقیقه زمان دارد و در این مدت طولانی قرار نیست تماشاگر داستانی پیوسته بهم و یا داستانک های پراکنده را در قالب تصویرهای عادی ببیند. منظوم از تصویرهای عادی، فیزیک حرکتی بازیگران و دیالوگ های مرسوم است. در عوض فیلم سرشار است از تصاویر زیبا و شگفت آور از زمین و زمان و کائنات. به این مهم موسیقی متن را نیز اضافه کنید.

یک موسیقی تاثیر گذار که گاهی حتی همان تصاویر پر عظمت را نیز تحت سیطره خود می گیرد. گفتار فیلم که زبان مادر روایت می شود مربوط به بحث های عادی و کم سطح فلسفی است. البته عقاید اخلاقی، اجتماعی و حتی مذهبی نیز در گفتار او بسیار عینیت دارد. این تمام فیلم نیست. بازیگران نیز گاهی جلوی دوربین همان تصاویری را خلق کرده اند که شما از سینما می توانید انتظار داشته باشید با اینهمه قرار نیست این داستانی دراماتیک باشد و قصه ای را روایت کند. موضوع فیلم روایت از دست رفتن فرزند است.

شان پن در نقش چک اوبراین در نمایی از سکانس پایانی درخت زندگی

فرزند در درخت زندگی جایگاه ویژه ای دارد. اصلا بیاید درخت زندگی را واکاوی کنیم. اگر کتاب را دیده باشید و یا در موردش بدانید، موضوع کلی زندگی است. زندگی نوع بشر، مخلوقات، کائنات و هرچیز دیگری که خداوند آفریده است. این درخت زندگی است و طبیعتا هر درختی از شاخه های بزرگ و کوچک تشکیل شده که در نهایت همه ی آنها یک پیکره واحد را ساخته اند. برخی از این شاخه ها را می شناسیم و لمس کرده ایم و برخی دیگر را باور داریم چون در تعالیم دینی مان هست.

در درخت زندگی رابطه ای عمیق بین موجودات کره خاکی، بهشت و زمین و حتی دنیای زیرین وجود دارد. اصلا درخت زندگی در فیلم ترنس مالیک یک نماد است برای بیان همین عقاید و نمادگراییه از آن استفاده شده است. بحث های جامعه شناختی و اسطوره شناختی نیز در آن مطرح است و عقاید فلسفی نیز که کل فیلم را در بر می گیرد.

بنابراین تماشاگر با یک دنیا ایما و اشاره در باره زندگی و پیرامون آن طرف است و اگر بخواهید بعد از دیدن فیلم به این معماها فکر کنید و در صدد حل آنها بربیائید شاید به نتایج دلپذیری نیز برسید. به هر حال درخت زندگی یک فیلم فلسفی و مذهبی است. و کارگردان فیلم تمام همتش را مصروف این مهم کرده که نقش این درخت موسوم به درخت زندگی را در پیدایش این سؤال و جواب ها نشان دهد.

با اینهمه برای نوشتن درباره درخت زندگی چه باید اضافه کرد؟ فیلمی که نه داستان دارد و نه کاراکتر و نه قرار است سینمای حقیقی باشد؟ واقعا داستان فیلم را می توان در دوجمله نوشت؟ زوجی فرزند خود را از دست می دهند. مادر در این کلنجار است که این غم را چگونه برطرف کند. با خدا راز و نیاز می کند. سالها بعد برادر بازمانده به یاد روزهای خوش قدیم می افتد. تصاویری از پدر و مادر و دو پسر. ظاهرا پسر دومی موفق است ولی هنوز درگیر همان روزهای قدیمی است. روزهایی که حتی برای خودش نوستالژیک نیست مگر برخی از خاطرات را از یادش ببرد...

خانم اوبراین که گاهی راوی فیلم است هزاران سؤال در طی فیلم مطرح می کند. سؤالاتی که البته خاص نیست و قرن ها و قرن هااست که نوع بشر با آن روبرو است. و جوابی نیز اگرچه با نمایش تصاویر کائنات داده می شود اما گنگ است و نامفهوم. حتی برد پیت و جسیکا چاستن آنقدر تلاش کرده اند (در نقش های خانم و آقای اوبراین) تا همان حداقل تصاویر درام را خوب جلو ببرند اما این مقدار هرگز کافی نیست. پسرشان جک در زندگی سالهای بعدش نیز بازی دراماتیک دارد اما اینجا شان پن خودش هم نمیداند چکار باید بکند. در کارخانه و دفترش از این ور به آن ور می رود. مدام آسانسورش را عوض می کند و ناگهان سراز بیابان درمی آورد و این تصاویر عجیب و بی ربط ناگهان کات می شود به تگزاس دهه 50 و خانه و خیابان پدری و مادری. بعد دوباره خانم اوبراین روی تصاویر عظیم کائنات و جهان هستی دیالوگ های فلسفی را می گوید سپس برای ده دقیقه موسیقی روی فیلم و همان تصاویر عظیم می بینیم و می شنویم و دوباره ناگهان شان پن سر از بیابان و یا دریا و یا بالای درخت درمی آورد. آیا اینگونه می توان مباحث دینی و فلسفی را ارائه داد آنهم به زبان سینما. به هر حال چون رسم شده که فیلمی که سخت است و عجیب و غریب تحویل گرفته شود (درخت زندگی هم نامزد اسکار بهترین فیلم شد و هم نخل طلا برد) خب ترنس مالیک و درخت زندگی اش نیز حسابی برد کردند.

به هر روی آنچه که ترنس مالیک ساخته، حتی اگر شرح همان درخت زندگی معروف در اسطوره شناسی و جهان بینی و تمایزات رفتاری و روانی باشد و سرشار از نمادهای اینگونه بازهم سینمای حقیقی نیست. آنچه او ساخته تصاویر بزرگ و زیبایی است که هر دانشجوی سینما و یا علاقمندی شاید اگر همان 32 میلیون دلار بودجه را داشت می توانست بسازد.

فیلمنامه و کارگردان: ترنس مالیک/ تهیه کننده : براد پیت، سارا گرین، گرانت هیل / موسیقی: الکساندر دسپلت/ مدیر
فیلمبرداری: امانوئل لوبسکی/ بودجه: 32 میلیون دلار/ فروش: 52 میلیون دلار/ زمان فیلم : 140 دقیقه/ محصول 2011 آمریکا
بازیگران: براد پیت، جسیکا چستن، شان پن